



نمی‌توان به یک تعریف و الگو برای تولید علم دینی اکتفا کرد/ پیشنهاد الگوی حکمی اجتهادی

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران در کنگره علوم انسانی اسلامی گفت: ارائه تعریف و الگو برای تولید علم دینی با توجه به اینکه علوم تمایز روشی، موضوعی و غایتی دارند ...

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران در کنگره علوم انسانی اسلامی گفت: ارائه تعریف و الگو برای تولید علم دینی با توجه به اینکه علوم تمایز روشی، موضوعی و غایتی دارند متفاوت است لذا نمی‌توان به یک تعریف و یک الگو برای تولید علم دینی اکتفا کرد و باید از الگوهای متفاوت بهره برد. به گزارش خبرنگار مهر، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی- اسلامی صبح امروز دوشنبه 27 آبان ماه با سخنرانی دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما آغاز به کار کرد. در این همایش اندیشمندان و اساتید حوزه علوم انسانی به ارائه مقالات خود در نه کمیسیون فقه و روش شناسی علوم انسانی، هنر و معماری اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، روانشناسی اسلامی، علوم سیاسی اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی و فقه و حقوق اسلامی پرداختند.

حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران طی سخنانی در کمیسیون فلسفه و روش شناسی علوم انسانی به ارائه مقاله خود با عنوان «الگوی حکمی- اجتهادی علم دینی» پرداخت و گفت: ارائه تعریف و الگو برای تولید علم دینی با توجه به اینکه علوم تمایز روشی، موضوعی و غایتی دارند متفاوت است لذا نمی‌توان به یک تعریف و یک الگو برای تولید علم دینی اکتفا کرد و باید از الگوهای متفاوت بهره برد.

وی افزود: پیشنهاد من الگوی حکمی اجتهادی است و این الگو تنها درصدد تبیین علوم انسانی رفتاری- اجتماعی و لذا با سایر علوم انسانی کاری ندارد چون علوم انسانی دو تعریف عام و خاص دارد. منظور من از علوم رفتاری- اجتماعی سکولار (مقصود علمی است که مبنایش سوبژکتیو باشد) این است که آنها انسان مطلوب را تعریف می‌کنند و دوم انسان تحقق یافته را توصیف کرده و در گام سوم به نقد و تغییر این انسان تحقق یافته به انسان مطلوب می‌پردازند.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: توصیف انسان مطلوب در مکاتب مختلف مبتنی بر فلسفه واقعیت است. منظور از فلسفه واقعیت هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است. در نظام‌های سکولار با این رویکرد که تنها فاعل شناسا انسان است به توصیف انسان مطلوب مبتنی بر فلسفه واقعیت می‌پردازد تا بتواند انسان خاص مطلوب سیاسی، اقتصادی و... را معرفی کند.

وی در توصیف ساختار علوم انسانی رفتاری- اجتماعی گفت: در توصیف انسان مطلوب فلسفه واقعیت مبنای این توصیف است و در تغییر از مبنایی به نام فلسفه ارزش استفاده می‌شود. علوم رفتاری و اجتماعی بر اساس الگوی حکمی- اجتماعی همان ساختار سکولار را دارد به این معنا که ما سه گام توصیف انسان مطلوب، انسان محقق یافته و نقد و تعبیرش را انجام می‌دهیم و از این لحاظ تفاوتی با الگوی سکولار ندارد اما تفاوت این دو در اینجا است که توصیف انسان مطلوب بر اساس حکمت و فلسفه واقعیتی است که رویکرد اسلامی دارد. یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی است که مبنای توصیف انسان مطلوب می‌شود و انسان تحقق یافته برای تغییر به انسان مطلوب مبتنی بر فلسفه ارزش اسلامی است.

حجت الاسلام خسروپناه تاکید کرد: تمایز اساسی در علوم رفتاری- اجتماعی سکولار با علوم رفتاری و اجتماعی حکمی- اجتهادی مربوط به روش شناسی تولید علوم انسانی است. در روش الگوی حکمی- اجتهادی توصیف انسان مطلوب مبتنی بر روش استدلالی و اجتهادی است و توصیف انسان تحقق یافته مبتنی بر روش تبیینی- تفسیری اجتهادی است و تغییر انسان محقق به انسان مطلوب در این الگو مبتنی بر روش تبیینی- تفسیری و استدلالی و اجتهادی است.